

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۵ جولای ۲۰۲۱

"شاه میته، شاه قلی نه!"*

چهارشنبه- ۲۳ سرطان ۱۴۰۰ - کابل: هرگاه از منظر کتابهای ادبیات فارسی-دری که در صنوف عالی خوانده ایم و در آن داستان گذر "عیسی" با جمعی از حواریونش از محلی را توصیف نموده بود که در محضر عام لاشه سگی افتاده و از چندین متر دورتر بوی ناهنجار آن دماغ را آزرده می ساخت و رقابتی که بین حواریون "عیسی" در بد گفتن از لاشه صورت گرفت، تا سرانجام "عیسی" آنها را متوجه دندانهای سفید و صدف گونه سگ ساخته، عملاً آنها را از مطلق گرایی بازداشت و یا به همین سان از استنتاج های فلسفی که در نوشته های استاد "موسوی" زیر عنوان "تقسیم یگانه به دوگانه" قید گردیده، حرکت نمائیم، می توانیم ادعا نمائیم که اداره "غنی احمدزی" با تمام زشتی ها و بوی بدی که دارد، حد اقل یکی از امتیازات آن این است که می توان این اداره را مصداق کامل برخی از ضرب المثل هائی یافت که از صدها سال بدین سو در کشور ما آن ضرب المثل بیشتر از یک کتاب کامل، گویائی و نقش روشنگرانه داشته است. از جمله ضرب المثلی که در همین یادداشت به مثابه عنوان انتخاب شده است، یعنی "شاه میته، شاه قلی نه".

در این ضرب المثل کلمه "شاه قلی" که از جمع دو کلمه مستقل از دو زبان جداگانه یعنی "شاه=پادشاه/ فارسی-دری" و "قلی= غلام/ ترکی" ساخته شده است، چنان موقعیتی را بازگو می کند که فردی یعنی همان "غلام شاه" به خود حق می دهد تا جلو بخشش و اوامر شاه را بگیرد. اگر از اطلاق چنین صفتی به اداره ای که "غنی احمدزی" ساخته و من از آن به نام دولت دست نشانده یادمی نمایم، باور ندارید لطفاً به این دو خبر متناقض در مورد یک فرد توجه نمائید:

خبر اول: به دستور رئیس جمهور "غنی احمدزی" جنرال متقاعد "مراد علی مراد" به حیث والی دایکندی مقرر شد.

خبر دوم: طیاره حامل جنرال "مراد علی مراد"، در حالی که در میدان هوایی دایکندی و مرکز ولایت جهت پذیرائی از وی ترتیبات لازم گرفته شده بود، و طیاره بر بالای میدان دایکندی خود را آماده فرود می ساخت، به دستور مقامات از ارگ، مجدداً به کابل برگشته قرار شد، جنرال "مراد" در جای دیگری به حیث والی مقرر شود.

هموطنان گرامی!

برداشت هائی که از این خبر می توان نمود، قرار آتی است:

۱- تقرر جنرال "مراد" که از طرف "غنی احمدزی" اعلام شد، تأیید وی را در قبال نداشته و کار وی نبوده است، در نتیجه، به محض آن که "غنی احمدزی" از چنین فریبی آگاه می گردد، ضمن بی اعتبار اعلام داشتن آن حکم قبلی، دستور به باز گشت طیاره نیز می دهد.

۲- "غنی احمدزی" در صدور فرمان تقرر نامبرده، عجله نموده، مشوره های لازم امنیتی را ننموده بود، در نتیجه بدون شناخت کامل از توانمندی جنرال "مراد علی مراد" در اداره یک ولایت و میزان تعهدش به حاکمیت فعلی، دستور به تقرر وی داده بود مگر به محض روشن شدن واقعیت و تکمیل شناختش از "مراد" شجاعانه پای پیش گذاشته، با لغو فرمان قبلی، از بروز یک فاجعه جلوگیری نمود.

۳- هرچند ظاهراً "غنی احمدزی" در موقف شاه مطلق العنان بر "ارگ و حوالی" آن حاکمیت دارد، مگر در واقعیت آنطور نبوده در همان "ارگ و حوالی" آن "شاه قلی" هائی هستند که فرمان "غنی احمدزی" در نزدشان ارزش یک توت له شده را نیز ندارد و این آنها ها بودند که دستور برگشتن طیاره را داده اند.

هموطنان گرامی!

بیانید اصل قضیه را ببینیم که چگونه بوده است:

۱- بر اساس توافقات درونی بین تیم وابسته به "عبدالله عبدالمود" که "محقق" نیز یک تن از آنها بود، تعیین و تقرر والی ولایت دایکندی می بایست از جمله افراد "محقق" و به مشوره وی صورت می گرفت.

۲- یکی از شروط پیوستن "محقق" به باند "غنی احمدزی" چه به مثابه تطبیق یکی از مواد توافقتنامه بین "عبدالمود" و "غنی احمدزی"، چه از موضع مستقل و کشیدن خط بطلان بر روابط گذشته اش با "عبدالمود"، به رسمیت شناخته شدن آن حقوق و مزایائی است که قرار بود، "محقق" از "دربار عبدالمود" به دست آرد که یکی از آنها مقرر نمودن والی دایکندی بود.

۳- در روز های اخیر که فشار بر ولایت دایکندی فزونی یافت و طالب خود را تا داخل شهر رسانیده، جنگ خانه به خانه را بر باشندگان ولایت و نیروهای امنیتی دولت دست نشانده تحمیل نمود، علی رغم آن که والی فعلی از تسلیمی ولایت ابا و ورزیده در کنار بقیه نیروهای امنیتی و با اتکاء به نیروی مردم دایکندی که سلاح برداشته طالب را از شهر شان بیرون انداختند، ایستاده شد؛ با آنها نفس رسیدن طالب در داخل شهر به "سرور دانش"، معاون دوم "غنی احمدزی" فرصتی را مساعد ساخت تا به دوام توطئه های قبلی اش علیه والی فعلی، هدفش را در پشت نام و هویت قومی "مراد علی مراد" مخفی نموده، دستور تقرر وی را از جانب "غنی احمدزی" به جای والی جدید، اخذ نماید.

۴- اینجاست که "محقق" در نقش "شاه قلی" ظاهر شده، با یکی دو پتکه "غنی احمدزی" را وادار ساخت تا فرمانش را پس بگیرد. "غنی احمدزی" که بدون آنها عقلش درست کار نمی کند، وقتی متوجه شد که از جانب معاون دومش فریب خورده، ضمن آن که فرمانش را پس گرفت، به "محقق" که مشاورش در امور امنیتی و سیاسی می باشد و قرار است به همین زودیها رابطه اش را با دون تن دیگر از باند شمال یعنی "دوستم و عطا" بهبود بخشد، وظیفه داد تا خودش با "سرور دانش" صحبت نموده، "ادبش" نماید، کاری که "محقق" بدون اجازه "غنی احمدزی" نیز می توانست و اکنون با اجازه و دستور "غنی احمدزی"، "سرور دانش" را "آدم" ساخت تا دیگر چنین کارهایی انجام ندهد.

هموطنان گرامی!

این مسأله را به خاطری به تفصیل نگاشتم تا خوانندگان عزیز و آنهایی که تحت تأثیر جنگ تبلیغاتی طالب قرار گرفته، طالب را اسفندیار زمان و شکست ناپذیر تصور می نمایند، بدانند که شکست های اخیر دولت دست نشانده و سقوط ولسوالی ها به صورت پیهم، برخاسته از زور و توانائی طالب نیست، بلکه عامل اساسی و عمده چنین وضعیتی ناتوانی و از هم گسیختگی درونی دولت دست نشانده است.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که طالب با تمام نیروهای خونخوار و جلادش در مقابل اراده خلق قهرمان افغانستان، وزن یک پرکاه را نیز ندارد، خلقی که با قیام دوران سازش قادر شد پشت بزرگترین امپراتوری های نظامی عصر را بر زمین بمالد، هرگاه اراده کند و از سازماندهی درست، انقلابی، متعهد و منضبط برخوردار باشد و هدفمندانه وارد میدان نبرد با طالب گردد، مطمئن باشید که طالب و طالب پرستان نه تنها هیچ گاهی به حاکمیت نخواهند رسید بلکه بر حیات ننگین خودش و ده ها نهاد مشابهنش نقطه پایان نیز گذاشته خواهد شد.

هموطنان گرامی!

برای نجات کشور و تضمین حیات خود و خانواده ها و هم میهنان ما، می باید ایجاد کمیته های دفاع از خود را در دستور روز قرار داده و فریب تبلیغات دوطرف جنگ را نخوریم.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایتنجای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!

***- "شاه می دهد، شاه قلی نه"**